



ساخت و اعتباریابی مقیاس خودپنداره مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی اسلامی (دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی)

زهرا سادات پورسیدآقایی / استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
zspsaghaei@alzahra.ac.ir  orcid.org/0000-0002-2267-9451

معصومه اسمعیلی / استاد گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
masesmaeily@yahoo.com

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۲

چکیده

خودپنداره و ابزارهای اندازه‌گیری آن در مکاتب روان‌شناسی پایه، عمدتاً مبتنی بر مبانی انسان‌گرایی تعریف شده‌اند؛ درحالی‌که در کشور ما برای شناخت مبانی اساسی باید دیدگاه اسلامی را مورد بحث قرار داد. هدف از پژوهش حاضر، ساخت مقیاس خودپنداره مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی اسلامی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن در دانشجویان بود. مقیاس خودپنداره دارای پنجاه گویه است که این گویه‌ها با استناد به مؤلفه‌های انسان‌شناسی آیت‌الله جوادی آملی و با روش تحلیل محتوا استخراج شده‌اند. به‌منظور بررسی خصوصیات روان‌سنجی این مقیاس، تعداد ۵۳۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران به‌وسیله نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و ایشان با تکمیل مقیاس خودپنداره، در پژوهش شرکت کردند. نتایج تحلیل عاملی به‌روش مؤلفه‌های اصلی، نشان‌دهنده وجود پنج مؤلفه خودپنداره بود که به‌ترتیب «خود مادی»، «خود فطری»، «خود اجتماعی»، «خود مذهبی» و «خود کائناتی» نام‌گذاری شدند. ضرایب همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه، خودپنداره با نمره کلی پرسش‌نامه خودپنداره سراسون مثبت و در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار بود. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس نیز ۰/۹۰۶ محاسبه شد. به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که مقیاس خودپنداره از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: خودپنداره، مبانی انسان‌شناسی، اسلامی، ساخت، اعتباریابی.

«خودپنداره» ادراکی است که افراد از ارزش خودشان دارند (استرنک (Strenke)، ۲۰۱۰). در دیدگاه معاصر، خودپنداره یک طرحواره شناختی تلقی می‌شود (کامپبل (Campbell)، ۱۹۹۶). در واقع خودپنداره جزئی از شناخت آگاهانه است که دانش، پیش‌فرض‌ها و احساسات ما را درباره خودمان شامل می‌شود (زاویر (Xavier)، ۲۰۱۳). *شعاری‌نژاد* (۱۳۶۴) سه مفهوم خودپنداره، خودشناسی و خودیابی را به صورت یک مفهوم مشابه در نظر گرفته است و آنها را آگاهی فرد از هویت خویش به عنوان یک شخص و ارزشیابی فرد از خود تعریف می‌کند. وی معتقد است که خودشناسی به تدریج رشد و تکامل می‌یابد.

متخصصان بهداشت روانی معتقدند افرادی که دارای خودپنداره واضح، خوب تعریف شده، هماهنگ و تقریباً باثبات‌اند، از سلامت روان شناختی بیشتری برخوردارند (شیخ‌الاسلامی و لطیفیان، ۱۳۸۱). رویدادهای منفی زندگی در افرادی که از احساس خودارزشی - که از مؤلفه‌های خودپنداره پایدار است - برخوردار نیستند، افسردگی بیشتری ایجاد می‌کند. پژوهش‌ها به طور مشخص وجود همبستگی منفی بین نمرات خودپنداره و علائم افسردگی را نشان می‌دهند (تنن و هرزبرگ (Tennen & Herzberger)، ۱۹۸۷). تحقیقات در زمینه آسیب‌شناسی روانی و اجتماعی نیز مؤید آن است که افراد بزهدار دارای تصویری نامطلوب از خویش‌اند. به عبارت دیگر، سطح خودپنداره و «حرمت خود» آنان پایین و ضعیف است (بیب و زیگلر (Bybee & Zigler)، ۲۰۰۱).

اهمیت بررسی این مفهوم مهم روان‌شناختی سبب شده است که در طول چند دهه اخیر، روان‌شناسان بزرگ در سراسر دنیا بسیاری از برنامه‌های پژوهشی را به آن اختصاص دهند و با طراحی نظریه‌های متعدد، به ابهام‌زدایی از جنبه‌های مختلف خودپنداره و چگونگی درک و شناخت «خود» بپردازند. نکته حائز اهمیت آن است که از ابتدای تاریخ حیات بشر تا امروز برداشت‌های مختلفی از «شناخت» وجود داشته است و انسان‌ها در قالب‌های مختلف فکری اندیشیده‌اند و براساس برداشت‌های مختلف، خود و جهان پیرامون خود را تعریف و تفسیر کرده‌اند (ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۲). اغلب تحقیقات در این زمینه، با پژوهش‌های ویلیام جیمز آغاز می‌شوند که خودپنداره را به عنوان یک مفهوم چندبعدی مطرح کرد (مارش، ۱۹۹۰). کولی (۱۹۰۲) نیز که تقریباً با جیمز معاصر بود، منشأ خودپنداره را تعاملات فرد با دیگران یا همان «خودآینه‌ای» می‌داند. در دوره رفتارگرایی (تقریباً ۱۹۳۰م تا ۱۹۶۰م)، به دلیل ضعف روش‌شناسی در مباحث مفهومی و روان‌سنجی، از این مفهوم غفلت شد (بایرن، ۲۰۰۲). به نقل از دورنر، (۲۰۰۶). در دوره انسان‌گرایی، اغلب نظریات خودپنداره به طور محض درباره خودپنداره نبودند؛ بلکه بر جنبه‌هایی از آن در ارتباط با مباحث دیگر تمرکز داشتند.

طبق دیدگاه امروزی، مفهوم‌سازی‌هایی را که این نویسندگان در مورد خودپنداره انجام دادند، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: کسانی که درباره ماهیت چندگانه خودپنداره بحث کردند و عقیده داشتند که باید میان جنبه‌های مختلف

خود، ثبات و انسجام برقرار باشد (مانند بلاک، /ریکسون، کلی و لکی)؛ کسانی که دربارهٔ یکپارچگی خود صحبت کردند و عقیده داشتند که وجود یک هم‌گرایی قوی میان جنبه‌های مختلف خود، برای داشتن سلامت روانی ضروری است (مانند /اسازیلوی، مزلو و راجرز)؛ و درنهایت کسانی که با ساختار فرایندهای روان‌شناختی در فرد سروکار داشتند و تلاش می‌کردند تا خود را در چهارچوب بزرگ‌تر رفتار، نگرش‌ها و شخصیت قرار دهند (مانند /آپورت) (دورنر، ۲۰۰۶).

با انقلاب شناختی در روان‌شناسی در طی دههٔ ۱۹۷۰م، مفهوم خودپنداره و علاقه به پژوهش دربارهٔ آن، مجدداً ظهور پیدا کرد (گکاز (Gecas)، ۱۹۸۲). مبتنی بر رویکرد شناختی، پژوهش‌های زیادی بر رابطهٔ خودپنداره و باورهای ایدئولوژیک تأکید کرده‌اند. /استادینگر و گریو (۱۹۹۷)، به نقل از دورنر، (۲۰۰۶) در الگوی بازنمایی ذهنی از خود، محتویات خودپنداره را شامل سه بخش شناختی، هیجانی و انگیزشی می‌دانند. آنان اظهار می‌کنند که بعد انگیزشی خودپنداره، که شامل اعتقادات ایدئولوژیک فرد است، وی و ادراکاتش را هدایت می‌کند؛ تعیین می‌کند که چه چیزی خوب یا بد است، مطلوب یا نامطلوب است، درست یا نادرست است و فرد را در انتخاب اهداف یاری می‌دهد و نیرو می‌بخشد؛ همچنین راه و درجه‌ای که خودپنداره اطلاعات ورودی را سازمان‌دهی می‌کند، با نوع انگیزه‌هایی که فرد دارد، مرتبط خواهد بود. /دیمون و هارت (۱۹۹۱) نیز معتقدند که ادراک خود به‌صورت مرحله‌ای و در چهار سطح تحول می‌یابد و هرچه سطح تحول «خود» در فرد بالاتر باشد، شناخت او از خویش بالاتر است و هدفمندی در کارها را نشان می‌دهد. از نظر آنها، بالاترین سطح تحول خودپنداره زمانی است که فرد خویش‌تر را فردی توصیف می‌کند که به یک نظام ارزشی خاص اعتقاد دارد (محسنی، ۱۳۷۵).

پیر - وس (۲۰۰۹) در تحقیقی به بررسی نقش باورهای مذهبی بر هویت شخصی می‌پردازد و بیان می‌کند که مذهب در ارتقای خودپندارهٔ افراد و شکل‌گیری عزت نفس در آنها نقش موثری دارد. /بشلیبه و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که اعتقاد به موجودی ماورای طبیعی (خدا)، که بدون قید و شرط دوست دارد، ممکن است راه را به‌عنوان هستهٔ اصلی شکل‌گیری خودپندارهٔ مثبت هموار کند. /پورحسین (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان روش درمانگری مرور خویش‌تر (دیدگاه /اقبال لاهوری) به بازسازی شناختی مراجعین دربارهٔ خود مبتنی بر باورهای دینی می‌پردازد و اظهار می‌کند که ارجاع افراد به خویش‌تر و هشیار کردن آنان دربارهٔ خود حقیقی، موجب خودآگاهی و افزایش سطح خودپندارهٔ آنان می‌شود.

با توجه به اینکه باورهای ایدئولوژیک هر شخص مبتنی بر نگرشی است که او به انسان دارد و تفاوت در انسان‌شناسی، تفاوت دیدگاه‌ها را در موضوعات روان‌شناختی و تعلیم و تربیت آدمی موجب می‌شود (فقیهی و رفیعی‌مقدم، ۱۳۸۷)، می‌توان به نقش بنیادین مبانی انسان‌شناسی در شکل‌گیری خودپنداره پی برد. درواقع، اگرچه نظریه‌های روان‌شناختی و روان‌درمانی براساس یافته‌های پژوهشی و تجربی‌اند، اما درعین‌حال مبتنی بر مفروضات فلسفی دربارهٔ ماهیت اصلی انسان هستند که ضعف و قوت این مفروضات می‌تواند در چگونگی شکل‌گیری ساختار، چارچوب نظری، آسیب‌شناسی روانی و محتوای درمان مؤثر باشد (کالانتز هرمزی، ۱۳۹۰).

بیشتر مکاتب فلسفی بعد از رنسانس، به نحوی ریشه‌ای از تفکر انسان‌گرایی متأثرند (صانع‌پور، ۱۳۷۸)؛ بنابراین بدیهی است که نظریات ارائه‌شده توسط مکاتب روان‌شناسی معاصر، از جمله در زمینه خودپنداره، بیشتر بر مبنای این دیدگاه باشند. در این مکتب، انسان با قطع ارتباط خود با خداوند، شناختی نادرست از جهان، انسان و رابطه خویش با آن خواهد داشت. در این دیدگاه، تنها روابط فرد با خود و دیگر انسان‌ها (آن‌هم در حد منفعت‌طلبی و سودمندی اشخاص برای یکدیگر) در خودپنداره وی نقش اساسی دارند و رابطه انسان با خدا و نیز طبیعت - که در این حوزه نقشی بسیار مهم ایفا می‌کند - بررسی نمی‌شود (فقیه‌ی و رفیعی‌مقدم، ۱۳۸۷). انسان در این مکتب با دنیوی کردن عالم، به سلب کلیه صفات ناشناخته از طبیعت پرداخته و بدین‌سان رابطه خود را با طبیعت قطع کرده است (شایگان، ۱۳۵۶).

درحقیقت، انسان‌گرایی با نفی خدا، روح و موجودات مجرد، انسان را منحصر در بدن، امیال و احساساتش می‌داند و بدین جهت ملاک ارزش اخلاقی را خوش آمدن و تنفر داشتن او می‌داند؛ و رای انسان و درک برآمده از حواس او که منحصر به عالم مادی است، به هیچ امر دیگری باور ندارد و ادیان توحیدی و کتب مقدس آنها را امری موهوم و پوچ دانسته، متون و محتوای آنها را غیرواقعی و فریبنده می‌داند (نبویان، ۱۳۸۱). با توجه به تک‌ساحتی بودن انسان (فقط وجود بعد جسمانی) در مکتب انسان‌گرایی، خودپنداره فقط شامل ادراکات مادی فرد از خود است؛ و تحلیل ابزارهای رایج اندازه‌گیری خودپنداره - که بیشتر براساس دیدگاه چندبعدی مایرز (۲۰۱۰) خودپنداره را در قالب سه بعد مادی، اجتماعی و روان‌شناختی تعریف می‌کند - مؤید این مطلب است.

افزون براین، از منظر مکاتب روان‌شناسی پایه، خودپنداره یک نظریه ناخواسته است (اپستین (Epstein)، ۱۹۷۳) که صرفاً به‌وسیله آگاهی‌های بیرونی، یعنی تجربیات و تفسیرهایی که فرد از محیط اطراف دریافت می‌کند، ساخته می‌شود (ایکلس (Eccles) و همکاران، ۲۰۰۵) و چون فرد هیچ نقشی در آن ندارد، پس مسئولیتی نیز به‌عهده وی نخواهد بود. تحلیل پرسش‌نامه خودپنداره پیزره‌ریس (۱۹۶۹) نشان می‌دهد که با از دست رفتن زیبایی یا تحلیل قوای فیزیکی یا با کاسته شدن محبوبیت فرد در بین اطرافیان، خودپنداره وی تغییر می‌کند و تضعیف می‌شود. همچنین اگر فرد لذتی مادی، مانند زیبایی، ثروت، شهرت یا تأیید اجتماعی به‌دست آورد، شاد می‌شود و تصویری مطلوب از خودش پیدا می‌کند؛ اما اگر هرکدام را از دست بدهد، غمگین می‌شود و خودپنداره‌اش تضعیف خواهد شد. درحقیقت، قطع ارتباط با خداوند و عدم اعتقاد به دین‌مداری که از مبانی اساسی مکتب انسان‌گرایی است، به فقدان یک راهنمای درونی و نیرومند در توصیف فرد از خودش می‌انجامد؛ از همین‌رو فرد برای توصیف خودش به‌دنبال منابع بیرونی (قواعد اجتماعی) خواهد بود و چنین فردی در سازمان‌دهی زندگی خود تکیه‌گاهی ندارد و نمی‌داند چه می‌خواهد و در ساختن معنای زندگی و رسیدن به اهداف، مشکل دارد. از آنجا که درونی کردن ارزش‌های مذهبی، باورها و استانداردهای رفتار مناسب، تسهیلگر

ساخت یک هویت پایدار و خودپنداره واضح‌اند (بلازک و بستا (Blazek&Besta)، ۲۰۱۲)، می‌توان گفت که خودپنداره مبتنی بر مکتب انسان‌گرایی، وضوح و ثبات ضعیفی دارد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، خودپنداره مبتنی بر مکتب انسان‌گرایی، خودپنداره‌های مادی و بیرونی است و صرفاً در دو بعد ارتباط با خود و ارتباط با دیگران تعریف می‌شود. در این نوع ادراک از خود، انسان محور همه چیز قرار می‌گیرد. اگر خود مادی تنها خود در نظر گرفته شود، این نوع شناخت از خود درست است؛ اما از آنجاکه انسان موجودی دوبعدی است و اصالت از آن روح اوست، باید گفت که ادراک خود مادی، سطح نازل ادراک خود یا ادراک خود دروغین است که فرع را به جای اصل می‌نشانند و هویت‌های مادی را جایگزین هویت اصیل انسانی می‌کند. از همین رو امروزه بشر دچار افسردگی و اضطراب، فقدان آرامش، از خودبیگانگی، و به تعبیری بی‌خوشتنی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ت، ص ۱۳). بنابراین، شناخت انسان از خود باید براساس مبانی دیگر صورت گیرد.

آیت‌الله جوادی آملی، به‌عنوان نظریه‌پرداز اسلامی معاصر، به انسان به‌گونه‌ای متفاوت با مکتب انسان‌گرایی می‌نگرد. جهان‌بینی وی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است و ایده‌های خدامحور است که با تجلی در همه ابعاد زندگی انسان (ارتباط انسان با خود، خدا، دیگران و طبیعت)، خود را می‌نمایاند و از رهگذر آن، تحولات گسترده‌ای در ادراک فرد از خود ایجاد می‌شود (نوابی، ۱۳۸۴). درحقیقت، وجه تمایز اساسی انسان‌شناختی *آیت‌الله جوادی آملی* از انسان‌گرایی را در تعیین هویت انسان باید جست‌وجو کرد. وی انسان را متشکل از جسم و روح می‌داند؛ اما معتقد است که انسان در رابطه با خود باید فطرت (روح الهی) را به‌عنوان حقیقت وجودی خویش ادراک کند تا استعداد خلافت‌اللهی او بالفعل شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸الف، ص ۹۵). همچنین انسان در رابطه با خداوند، اولاً باید به او معرفت پیدا کند (یعنی خود را به‌عنوان وجودی که حادث و ضعیف است، درک کند و پی به وجود خالقی توانا ببرد) و ثانیاً فقط او را اطاعت و عبادت کند. در رابطه با جهان هستی نیز باید چگونگی رابطه جهان هستی را با خداوند دریابد و بفهمد که در ارتباط با جهان هستی، او امانت‌داری بیش نیست و قدرت آفرینش ندارد. در رابطه با هم‌نوع نیز باید خود را موجودی اجتماعی بشناسد که زندگی اجتماعی‌اش منشأ حقوق و تکالیف معینی است که وی با توجه به کرامت و مسئولیت خویش باید آنها را رعایت کند تا زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۹ب، ج ۱۰). در این صورت، انسان به ادراک خود واقعی که مرتبه متعالی ادراک خود است، دست می‌یابد.

با توجه به اینکه انسان‌شناسی اصیل، انسان را وامی‌دارد که درخصوص ادراک خود، به‌درستی ره بیوید و تصمیماتی منطبق بر ماهیت وجودی خویش بگیرد (نوابی، ۱۳۸۴) و از آنجاکه پرسش‌نامه‌های سنجش خودپنداره، که به‌طور وسیع به‌وسیله مشاوران و روان‌شناسان در جامعه ما مورد استفاده قرار می‌گیرند، مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی مکتب انسان‌گرایی است و با عنایت به ضرورت بومی‌سازی علوم انسانی، هدف محقق در این پژوهش ساخت مقیاس خودپنداره مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی *آیت‌الله جوادی آملی* و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن است.

روش پژوهش

به منظور ساخت این مقیاس، ابتدا می‌بایست درک درستی از مفهوم خودپنداره یا ادراک خود از نگاه آیت‌الله جوادی آملی به دست می‌آمد؛ از همین رو به واسطه نرم‌افزار «اسراء» کلیه کتب ایشان بررسی شد؛ به این صورت که در این بخش، موضوعات مرتبط با انسان‌شناسی اسلامی (مانند خودشناسی نفس فطرت) به روش نمونه‌گیری تئوریک استخراج شد؛ سپس محقق با استفاده از روش هرمنوتیک به تحلیل محتوا پرداخته است (محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۱). بعد از استخراج سؤالات پرسش‌نامه، به منظور تأیید روایی محتوایی آن به روش اعتبار صوری، که بر پایه قضاوت ذهنی چند تن از متخصصان درباره سؤالات مقیاس ساخته شده صورت می‌گیرد (آلن و ین، ۱۳۸۷)، پرسش‌نامه برای چهار نفر از اساتید دانشگاه و حوزه ارسال و اعتبار آن تأیید شد. نهایتاً فرم سؤالات پرسش‌نامه در قالب پنجاه گویه و براساس مقیاس درجه‌بندی لیکرت با گزینه‌های «بسیار زیاد»، «زیاد»، «متوسط»، «کم»، «خیلی کم» و «اصلاً» تنظیم گردید. در مرحله بعد، مقیاس یادشده بر روی جمعیت دانشجویی اجرا شد. جامعه پژوهش حاضر کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی تهران در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵ بوده است. تعداد ۵۳۰ دانشجو با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه برای جامعه نامعین و با استفاده از نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای، به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. در این فرمول، Z برای سطح اطمینان ۹۵ درصد، برابر ۱/۹۶ است و از طرف دیگر، چون در خصوص موضوع تحقیق حاضر با توجه به رویکرد موردنظر در این تحقیق هیچ گونه سابقه مشابهی در جامعه مورد بررسی پیدا نشد، بالاترین میزان واریانس، یعنی ۰/۲۵، در نظر گرفته شد. هومن (۱۳۷۰) معتقد است که حجم نمونه در تحلیل عاملی، پنجاه نفر بسیار ضعیف، صد نفر ضعیف، دویست نفر نسبتاً خوب، پانصد نفر خیلی خوب و هزار نفر عالی محسوب می‌شود (ر.ک: هومن، ۱۳۷۰).

پس از مرحله اجرا، ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خودپنداره مورد بررسی قرار گرفت و روایی سازه با دو روش همبستگی با سازه مشابه و روش تحلیل عاملی - اکتشافی تأیید شد.

یافته‌های پژوهش

در قسمت یافته‌های پژوهش، ابتدا زیرمقیاس‌های پرسش‌نامه و سپس روایی و پایایی آن بررسی می‌شوند.

۱. زیرمقیاس‌های پرسش‌نامه خودپنداره مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی آیت‌الله جوادی آملی

۱-۱. زیرمقیاس ادراک خود در ارتباط با خود

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی این‌گونه استنتاج می‌شود که «شناخت انسان از خود در ارتباط با خود» در قالب هشت مؤلفه شکل می‌گیرد. جدول (۱) این مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مؤلفه‌های ادراک خود در ارتباط با خود (دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی)

زیرمقیاس ادراک خود در ارتباط با خود	افق آیت‌الله جوادی آملی	افق محقق (استخراج سوالات پرسش‌نامه)
الف) آگاهی از نظام داخلی خود	خداوند در شرح خود از انسان، او را اجمال همه عالم می‌داند؛ به‌گونه‌ای که هم ملکوت مجرد و هم ملک مادی را داراست (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف، ص ۱۶۸)	من ترکیبی از جسم (به‌عنوان ابزار) و روح متعالی هستم
ب) آگاهی از تقدم روح بر جسم	اصل انسان روح الهی و فرع او که همواره پیرو آن اصل است، بدن او ست (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف، ص ۷۷).	من به زیبایی و روحم بیشتر از زیبایی جسم اهمیت می‌دهم من از قیافه‌ام راضی‌ام؛ چون آفریده خداوند است
ج) ویژگی فطرت: آگاهی درونی به خوبی و بدی	فطرت انسان آگاه به فجور و تقوای خویش است (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف، ص ۱۷۳).	احساس می‌کنم چیزی از درون، مرا به‌سوی خوبی‌ها هدایت می‌کند
د) گرایش فطرت: ابتکار و خلاقیت	فطرت به‌گونه‌ای است که از هنگام ولادت، از صلاح و فلاح فطری خود با علم حضوری آگاه است و می‌داند که چه می‌خواهد و به کدام سمت باید برود (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف، ص ۱۷۳).	من مبتکر و خلاقم؛ چون معتقدم خداوند در درونم استعدادهایی قرار داده است که باید شکوفا شوند
هـ) شناخت ویژگی‌های طبیعت مادی	بدن انسان از خاک آفریده شده و به لحاظ این جنبه طبیعی، «عجول»، «قتور»، «بخیل»، «هلو»، «جزوع»، «منوع» و «اکثر شیء جدلاً» است. این‌ها دردهایی است که از طبیعت انسان برخاسته و نشان نقص طبیعی او ست (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ز، ج ۱۵، ص ۸۲).	من به زرق و برق‌های دنیا علاقه دارم من مال‌دوستم من دنیادوستم من آدم لذت‌طلبی هستم من بخیلیم من مغرورم من آدم کم‌صبر و تحملی هستم در برابر دیگران فخر می‌فروشم؛ چون از بیشتر مردم بهترم
و) آگاهی از اراده خود	هدایت اجباری سودی ندارد؛ بنابراین به انسان اختیار و اراده داد که مسیرش را خود انتخاب کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰ د، ص ۵۶).	من دارای اختیار و اراده‌ام
ز) معیار ارزش انسان	خداوند در قرآن کریم تقوا را محور کرامت انسان معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ص ۳۲۷).	من احساس برتری می‌کنم؛ چون در حفظ خودم از گناه، نسبت به دیگران موفق‌ترم
	اگر میزان کرامت انسان، به داده‌ها و نعمت‌هایی که در حق او ارزانی شده است، باشد، نه چیزی از کرامت او باقی می‌ماند و نه از هویت او (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۱۳).	من فقط با پول، زیبایی، مقام و سایر نعمت‌های دنیوی احساس برتری می‌کنم

<p>من معمولاً براساس احساساتم تصمیم گیری می‌کنم</p> <p>من در انجام درست وظایفم تلاش می‌کنم و دارای پشتکارم</p> <p>من مسئولیت کارهایم را بر عهده می‌گیرم</p> <p>من توانایی‌های درونی خود را می‌شناسم</p> <p>بین افکار، گفتار و عمل هماهنگی وجود دارد؛ چون آنها را براساس دستورات خداوند تنظیم می‌کنم</p> <p>من معمولاً تسلیم نظرات دیگران می‌شوم؛ چون توانایی ابراز نظرات خود را ندارم</p> <p>من خیلی زود عصبانی می‌شوم</p> <p>من به راحتی از لحاظ هیجانی تغییر می‌کنم</p>	<p>ساختار شناختی و رفتاری</p> <p>ساختار عاطفی</p>	<p>انسان مجهز به ابزار ادراک علمی و ادراک علمی است که در قالب ساختارهای وجودی، شناختی، عاطفی و رفتاری تعریف می‌شوند. هریک از این ساختارهای وجودی، شامل اجزا یا نیروهایی از دو جنس طبیعت و فطرت‌اند (جوادی املی، ۱۳۹۰ الف).</p> <p>ح) شناخت ساختارهای وجودی خود</p>
---	---	--

۲-۱. زیرمقیاس ادراک خود در ارتباط با خدا

از دیدگاه آیت‌الله جوادی املی این گونه استنباط می‌شود که «شناخت انسان از خود در ارتباط با خدا» در قالب سه مؤلفه شکل می‌گیرد. جدول (۲) این مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲: مؤلفه‌های ادراک خود در ارتباط با خدا (دیدگاه آیت‌الله جوادی املی)

زیرمقیاس ادراک خود در ارتباط با خدا	افق آیت‌الله جوادی املی	افق محقق (استخراج سؤالات پرسش‌نامه)
الف) جنس رابطه فرد با خدا	رابطه انسان با خدا رابطه محبّ و محبوب است. در فرهنگ قرآن، خداوند هر موجودی را با کشش و محبت به جلو می‌کشد (جوادی املی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲).	من به خداوند عشق می‌ورزم و رابطه‌ام با او از نوع محب و محبوب است
ب) دینداری لازمه کمال	اگر انسان خالقیت خداوند را دریافت و آگاهی او از همه شئون زندگی و هستی انسان و جهان را پذیرفت و در عمل نیز عبد مطیع خداوند بود، آنگاه به بهترین کمال خود می‌رسد (جوادی املی، ۱۳۸۹ع، ص ۴۸).	آدم دین‌مداری هستم؛ چون معتقدم تنها راه رسیدن به کمال، اطاعت از دستورات دینی خداوند است من بیشتر به اخلاقیات معتقدم تا اطاعت از دستورات خداوند
ج) نقش مذهب در سلامت روان	چهبسا انسان در فراز و نشیب‌هایی قرار می‌گیرد که قدرت تصمیم‌گیری از او سلب می‌شود یا تعادل روحی و روانی او را زایل می‌کند و او را در امواج متلاطم تشویشات درونی قرار می‌دهد. آنان که به دین پناه بردند و خدا را تکیه‌گاه خود قرار دادند، در این‌گونه امور چون کوه استوارند (جوادی املی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۹۸).	من در کارها به خدا توکل می‌کنم؛ پس به‌ندرت احساس اضطراب و ترس می‌کنم
	ارزش انسان، در ادراک استعداد خلافت الهی خویش است. اگر در چنین فضایی انسان خود را ادراک کند، راه درستی در پیش گرفته است که هم کرامت او محفوظ می‌ماند و هم هویت وی (جوادی املی، ۱۳۸۹ق، ص ۴۲۱).	من احساس ارزشمندی می‌کنم؛ چون استعداد جانشینی خدا در جهان را دارم

۳-۱. زیرمقیاس ادراک خود در ارتباط با دیگران

از مبانی انسان‌شناسی آیت‌الله جوادی آملی این‌گونه استنباط می‌شود که «شناخت انسان از خود در ارتباط با دیگران» در قالب نه مؤلفه شکل می‌گیرد. جدول (۳) به این مؤلفه‌ها می‌پردازد.

جدول ۳: مؤلفه‌های ادراک خود در ارتباط با دیگران (دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی)

زیرمقیاس ادراک خود در ارتباط با دیگران	افق جوادی آملی	افق محقق (استخراج سؤالات پرسش نامه)
الف) همدلی	انسان به مقتضای فطرت خود، از رنج و زحمت دیگر انسان‌ها ناراحت و از سعادت آنان خوشحال و مسرور می‌شود و برای دوستی خدا، به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۵).	من از شادی دوستانم خوشحال و از غم آنها ناراحت می‌شوم؛ چون معتقدم که این خصوصیت، نشانه مؤمنان است
ب) احترام به دیگران و تکریم آنها	خداوند متعال حفظ احترام متقابل را بر همگان لازم می‌داند تا در پرتو تأمین کرامت همه افراد متدین و متعهد، زمینه پیدایش مدینه فاضله فراهم شود (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۳).	من به دیگران در هر مرتبه یا موقعیتی (اجتماعی) باشنده، احترام می‌گذارم؛ چون آنها برادران و خواهران دینی من هستند
ج) گذشت و ایثار	انسان‌ها گوناگون‌اند؛ لذا چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر نیز مختلف خواهد بود؛ از همین رو خداوند می‌فرماید: ای انسان! شما را شعبه‌شعبه و قبیله‌قبیله قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸۹).	به تفاوت‌های فردی احترام می‌گذارم؛ چون انسان‌ها همه آفریده خداوندند
د) مهربانی و رحمت درباره دیگران	مفاهیمی همانند همکاری، تفاهم، مساعدت، مشارکت، احساس همدردی، از خودگذشتگی، ایثار و مانند اینها، از جلوه‌های اجتماعی فطرت سلیم آدمی است که مدنیت مورد نظر دین نیز بر پایه چنین اموری شکل می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۹۰).	من در قبال دیگران اهل گذشت و ایثارم؛ چون معتقدم برای رسیدن به مراحل بالای انسانیت، باید به این شیوه رفتار کرد
ه) همکاری	قرآن کریم مهربانی و حسن خلق را مهم‌ترین عامل جذب مردم می‌داند: «اینها که در اطراف تو جمع‌اند، به سبب مهربانی، رأفت و محبت توست؛ و اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی، مردمان از گرد تو پراکنده می‌شدند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۹۰).	من به دیگران مهربان و گرم هستم؛ چون این توصیه دین من است
		من در رابطه با دیگران آدم نیکوکاری هستم؛ چون خداوند نیکوکاران را دوست دارد
		من به دیگران کمک می‌کنم؛ چون دستور دین من است
		همکاری را بر رقابت ترجیح می‌دهم؛ چون مردم برادران و خواهران دینی من هستند

<p>ادم بالانصافی هستم؛ چون برای سود خودم حق کسی را پایمال نمی‌کنم</p>	<p>انسان در رابطه با دیگران باید بداند که او به دیگران می‌پیوندد تا از آنها نفع ببرد و متقابلاً سود ببراند. وجود چنین ادراکی از خود، باعث می‌شود فرد در رابطه با دیگران بر مبنای عدالت اجتماعی و حق‌محوری رفتار کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹س، ج ۱۰، ص ۴۴۰).</p>	<p>و) عدالت و حق‌محوری</p>
<p>من اهل مشورت کردن با دیگران هستم؛ چون توصیه دین من است</p>	<p>خداوند در قرآن کریم جامعه بشری را تشویق می‌کند و به آنها دستور می‌دهد که سخنان مکتب‌های گوناگون را بشنوند و بهترینش را برگزینند (جوادی آملی، ۱۳۸۵الف، ص ۱۳۹).</p>	<p>ز) مشورت</p>
<p>قادر به درک باورها و عقاید دیگران هستم؛ چون معتقدم خداوند انسان‌ها را متفاوت آفریده است</p>	<p>موجودی متفکر به‌نام انسان، اگر بخواهد با هم‌نوع خود رابطه برقرار کند، اصیل‌ترین راه ارتباط، ترابط فکری است. برای ارتباط متقابل باید تفاهم صورت گیرد و انسان‌ها سخن یکدیگر را درک کنند و درک سخن دیگران، با تدبیر و تفکر در مکتب و عقیده آنان صورت می‌پذیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ع، ص ۳۹).</p>	<p>ح) برقراری رابطه با دیگران</p>
<p>من در انجام کارها به دیگران وابسته نیستم؛ چون همیشه به خدا تکیه می‌کنم</p>	<p>خداوند زندگی اجتماعی استوار بر اصل توحید (یکتاپرستی) را عامل سعادت و پیشرفت می‌خواند (جوادی آملی، ۱۳۸۵پ، ص ۱۴۶).</p>	<p>ط) حاکمیت اصل توحید بر ارتباط فرد با دیگران</p>

۴-۱. زیرمقیاس ادراک خود در ارتباط با طبیعت

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی این‌گونه استنباط می‌شود که «شناخت انسان از خود در ارتباط با طبیعت» در قالب پنج مؤلفه شکل می‌گیرد. جدول (۴) این مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۴: مؤلفه‌های ادراک خود در ارتباط با طبیعت (دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی)

<p>افق محقق (استخراج سوالات پرسش‌نامه)</p>	<p>افق آیت‌الله جوادی آملی</p>	<p>زیرمقیاس ادراک خود در ارتباط با طبیعت</p>
<p>من نیازمند جهان هستی‌ام؛ چون تمام امکانات جهان به‌اذن خدا در رسیدن من به اهدافم نقش دارند</p>	<p>انسانی که حقایق برتر جهان را درک می‌کند، وابستگی محض مخلوقات، از جمله خود، به ذات اقدس خدا را استنباط عقلی می‌کند و می‌فهمد تنها خداست که عهده‌دار تدبیر و تقدیر عالم است؛ از همین رو وی مالکیت تام خدا بر هستی و ناتوانی خود در برابر جهان را ادراک می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹د، ص ۱۶۹).</p>	<p>الف) درک رابطه خود با جهان و رابطه آن دو با خدا</p>
<p>من اهل تفکر؛ چون درباره ماهیت خود و جهان می‌اندیشم</p>	<p>انسانی که حقایق برتر جهان را درک می‌کند، به این شناخت از خود می‌رسد که او در رابطه با هستی و کائنات، فقط امانت‌دار خداوند سبحان است و توهم استقلال، تصویری خام و سطحی بیش نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹د، ص ۱۶۹).</p>	<p>ب) امانت دانستن هستی و وابسته بودن آن به خدا</p>
<p>من مالک جهان هستی نیستم؛ بلکه جهان فقط امانت خداوند در دستان من است</p>		

ساخت و اعتباریابی مقیاس خودپنداره مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی اسلامی \diamond ۶۵

<p>من به بدنم آسیب وارد نمی‌کنم؛ چون بدن امانت خداوند است</p> <p>من توانایی بهره‌برداری از منابع طبیعی را دارم؛ ولی تلاش می‌کنم به آن صدمه‌ای وارد نکنم</p>	<p>خداوند انسان را خلیفهٔ خویش ساخت تا وی بتواند از هر نعمت هستی در مسیر صلاح خود بهره‌گیرد؛ به این دلیل همهٔ جهان را مسخر وی ساخت؛ اما باید توجه داشت که در استفاده از جهان و نعمت‌هایش نمی‌توان به‌گونه‌ای عمل کرد که با صلح و مسالمت ناسازگار باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۹).</p>	<p>ج) برخورد درست با جهان</p>
<p>من به تمام موجودات عالم هستی عشق می‌ورزم؛ چون همه نشانهٔ وجود خداوندند</p>	<p>عشق به سراسر جهان، گرچه دشوار است، ولی پس از عشق به خدا آسان خواهد بود؛ زیرا آثار معشوق، محبوب است؛ از این رو با وجود همهٔ دشواری‌ها باید به همهٔ موجودات عالم عشق ورزید (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۳).</p>	<p>د) عشق به تمام جهان</p>
<p>من احساس خوبی دربارهٔ خودم دارم؛ چون به‌واسطهٔ روح الهی‌ام موجودی ابدی هستم و با مرگ از بین نمی‌روم</p>	<p>از طریق حس، امکان شناخت مستقیم همهٔ اشیا وجود ندارد؛ چراکه موجودات جهان همگی محسوس نیستند؛ بلکه بسیاری از آنها مربوط به جهان غیب‌اند و از طریق حس ادراک نمی‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۴).</p>	<p>هـ) ارتباط با بخش‌های طبیعی و ماورای طبیعی جهان</p>

۲. روایی

برای بررسی روایی پرسش‌نامه، ابتدا از روش روایی محتوایی (اعتبار صوری) استفاده شد و در ادامه، دو روش همبستگی با سازهٔ مشابه و تحلیل عاملی - اکتشافی به کار برده شده‌اند.

۲-۱. تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی

در این قسمت، از تحلیل عاملی - اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد؛ جهت پاسخ به این پرسش که ساختار پرسش‌نامه از چه سازه یا سازه‌هایی اشباع شده است. علت استفاده از چرخش واریماکس این است که در تحلیل عاملی اکتشافی، عامل‌ها (محورها) چرخانده می‌شود تا رابطهٔ همبستگی بین متغیرها و بعضی از فاکتورها به حداکثر برسد که عمومی‌ترین روش، موسوم به واریماکس است (هومن، ۱۳۷۰).

جدول ۵: مقدار KMO و آزمون بارتلت

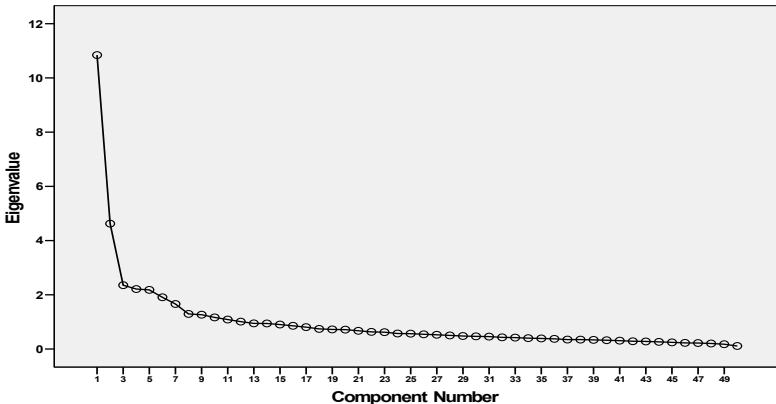
مقدار	آزمون
۰/۸۷۳	KMO
۹۹۱۵/۶۶	بارتلت
۱۲۲۵	درجهٔ آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری

پیش از اجرای تحلیل عاملی، دو موضوع باید مورد بررسی قرار گیرد: اول، کفایت نمونه‌برداری (اطمینان از این مطلب که ماتریس همبستگی زیربنای تحلیل عاملی در جامعه صفر نیست)، که وقتی این مقدار بیش از ۰/۶ باشد، به راحتی می‌توان تحلیل عاملی را اجرا کرد؛ دوم، آزمون این فرضیه که ماتریس همبستگی‌های مشاهده‌شده متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای ناپسته است؛ که برای آزمون این فرضیه، از آزمون کرویت بارتلت استفاده شد. برای آنکه یک مدل

تحلیل عاملی مفید باشد، لازم است متغیرها با یکدیگر همبستگی داشته باشند که معناداری آزمون کرویت بارتلت در پژوهش حاضر در سطح معناداری $P=0/000$ نشان می‌دهد که اجرای تحلیل عاملی بر پایه ماتریس همبستگی داده‌ها قابل توجه خواهد بود.

نمودار ۱: چرخش یافته ارزش‌های ویژه

Scree Plot



با توجه به ارزش‌های ویژه و نمودار (۱)، به رایانه دستور داده شد که تحلیل مؤلفه‌های اصلی را بر پایه پنج عامل (ارزش‌های ویژه ۲ و بیشتر)، پنجاه بار تکرار کند و بارهای عاملی بالاتر از $0/30$ را مرتب کند.

جدول ۶: خلاصه اطلاعات تحلیل عاملی (براساس روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریمکس)

عامل	قبل از چرخش		بعد از چرخش واریمکس		
	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تراکمی	ارزش ویژه	درصد واریانس
۱	۱۰/۸۴	۲۱/۶۸	۲۱/۶۸	۵/۷	۱۱/۴۱
۲	۴/۶۲	۹/۲۵	۳۰/۹۳	۵/۰۴	۱۰/۰۹
۳	۲/۳۵	۴/۷۱	۳۵/۶۸	۴/۱۱	۸/۲۲
۴	۲/۲۱	۴/۴۲	۴۰/۰۷	۴/۰۹	۸/۱۸
۵	۲/۱۸	۴/۳۶	۴۴/۴۳	۳/۲۵	۶/۵۱

طبق جدول (۶)، ارزش ویژه عامل یکم (۱۰/۸۴) اختلاف فاحشی با سایر عامل‌ها دارد و در مجموع، این پنج عامل حدود ۴۵ درصد کل واریانس بین پنجاه ماده پرسش‌نامه مورد مطالعه را توجیه می‌کند. بدین ترتیب، چنانچه از مجموعه پرسش‌ها پنج عامل استخراج شود، در حدود ۲۲ درصد واریانس مشترک بین پرسش‌ها به وسیله عامل نخست تبیین می‌شود. همان‌طور که می‌دانید، تحلیل عاملی نشان‌دهنده شیوه‌های ریاضی گوناگون برای تحلیل همبستگی‌های درونی بین مجموعه‌ای از متغیرها و تبیین این همبستگی‌ها بر حسب تعداد

معدودی از متغیرهاست که «عوامل» نامیده می‌شود (آلن و ین، ۱۳۸۷). برای تعیین تعداد عامل‌ها، از معیارهایی چون «ارزش ویژه» و «درصد واریانس» می‌توان استفاده کرد. «ارزش ویژه» مقداری از واریانس آزمون کل است که توسط یک عامل خاص برآورده می‌شود و فقط مؤلفه‌هایی با مقادیر ویژه بزرگ (بیشتر از یک)، نمایانگر عامل اصلی‌اند. «واریانس هر عامل» نیز درصد سهم واریانس آن عامل از واریانس کل است. هرچه این مقدار به صد نزدیک‌تر باشد، یعنی عامل مربوطه نقش بیشتری در ایجاد واریانس آزمون دارد و همبستگی عامل با نمره کل آزمون بالاتر است (هومن، ۱۳۷۰).

جدول ۷: ماتریس عاملی عامل‌های پنج‌گانه با روش مؤلفه‌های اصلی پس از چرخش واریماکس

سؤال	عامل				
	۱	۲	۳	۴	۵
a1					۷۳۱.
a2					۶۷۷.
a3			۳۰۰.		۵۴۸.
a4				۳۱۳.	۴۸۹.
a5					۵۲۸.
a6	۴۱۲.				۵۰۷.
a7		۵۵۲.			
a8		۵۱۱.			
a9		۶۳۸.		۳۵۳.	
a10		۵۸۱.			
a11	۳۶۴.	۵۶۵.			
a12		۷۵۲.			
a13		۶۹۸.			
a14		۵۶۰.			
a15		۷۰۴.			
a16		۷۵۰.			
a17		۶۸.			
a18		۶۰۸.			
a19		۶۱۹.			
a21	۴۷۴.				
a22		۴۳۹.			
a24	۳۲۰.				
a25		۳۵۱.		۳۰۶.	
a26		۶۰۵.			
a27			۳۰۷.		۳۵۳.
a28			۴۰۹.		
a29			۵۶۰.		۳۱۸.
a30			۴۳۰.		

		۴۶۳.		۳۵۲.	a31
۵۳۷.					a32
۴۹۷.				۴۹۳.	a33
۵۵۲.				۵۱۲.	a34
			۵۸۸.		a35
۳۷۷.	۳۴۵.			۳۰۹.	a36
۴۳۷.					a37
۵۲۱.	۳۳۹.			۳۳۱.	a38
۵۴۰.	۳۱۸.			۳۰۶.	a39
۷۶۳.					a40
۶۵۶.					a41
۳۷۰.					a42
۵۶۲.				۳۰۳.	a43
۳۵۶.				۳۱۱.	a44
۳۶۷.					a45
			۳۹۱.		a48
				۶۰۹.	a49
				۷۴۶.	a50
				۷۳۷.	a51
				۷۳۸.	a52
				۷۰۲.	a53
				۵۹۱.	a54

مطابق با جدول (۷) و آشکار شدن پنج عامل مقیاس خودپنداره با مطالعه گویه‌هایی که بر روی هریک از عوامل بارگذاری عاملی شدند و معانی مستتر در هر گویه و مشترکات این مفاهیم، به گزینش نام برای هر مؤلفه اقدام شد: عامل اول با عنوان «ادراک خود در ارتباط با طبیعت»، که «خود کائناتی» نام گرفت. گویه‌های (۵۰-۴۹-۴۸-

۴۷-۴۶-۴۵-۲۲-۲۰) در مقیاس خودپنداره، این عامل را می‌سنجند؛

عامل دوم با عنوان «ادراک خود در ارتباط با جسم»، که «خود مادی» نام گرفت. گویه‌های (۷-۸-۹-۱۰-۱۱-

۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۴-۳۳-۴۴) در مقیاس خودپنداره، این عامل را می‌سنجند؛

عامل سوم با عنوان «ادراک خود در ارتباط با خدا»، که «خود مذهبی» نام گرفت. گویه‌های (۲۸-۲۹-۲۷-۲۶-

۲۵) در مقیاس خودپنداره، این عامل را می‌سنجند؛

عامل چهارم با عنوان «ادراک خود در ارتباط با دیگران»، که «خود اجتماعی» نام گرفت. گویه‌های (۳۰-۳۱-

۳۲-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳) در مقیاس خودپنداره، این عامل را می‌سنجند؛

عامل پنجم با عنوان «ادراک خود در ارتباط با روح»، که «خود فطری» نام گرفت. گویه‌های (۱-۲-۳-۴-۵-

۲۳-۲۱) در مقیاس خودپنداره، این عامل را می‌سنجند.

ساخت و اعتباریابی مقیاس خودپنداره مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی اسلامی \diamond ۶۹

چنان که ملاحظه می‌شود، براساس تحلیل عاملی، «ادراک انسان از خود در ارتباط با خود» شامل دو عامل «ادراک خود در ارتباط با جسم» و «ادراک خود در ارتباط با فطرت» است. ادراک خود مادی، مؤلفه‌های شناخت ویژگی‌های طبیعت انسان و ساختارهای وجودی او را دربرمی‌گیرد و ادراک خود فطری، مؤلفه‌های آگاهی از نظام داخلی، آگاهی از تقدم فطرت بر طبیعت، ویژگی‌ها و گرایش‌های فطرت، و آگاهی از اراده و ارزش انسان را شامل می‌شود.

نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد که بالاترین ضریب آلفا مربوط به عامل یکم و کمترین آن مربوط به عامل سوم است.

جدول ۸: خلاصه اطلاعات اعتبار و آماره‌های عامل‌های پرسش‌نامه خودپنداره

شاخص	عامل ۱ ادراک خود در ارتباط با طبیعت	عامل ۲ ادراک خود در ارتباط با جسم	عامل ۳ ادراک خود در ارتباط با خدا	عامل ۴ ادراک خود در ارتباط با دیگران	عامل ۵ ادراک خود در ارتباط با فطرت
ضریب آلفای کل پرسش‌نامه	۰/۸۶	۰/۸۲	۰/۶۱	۰/۸۵	۰/۷۸
میانگین ضریب همبستگی درونی سؤال‌های پرسش‌نامه	۰/۴۲	۰/۲۰	۰/۲۵	۰/۳۱	۰/۳۸
میانگین سؤال‌ها	۴/۶۳	۳/۶۵	۴/۳۱	۴/۷۸	۴/۹
واریانس سؤال‌ها	۱/۱۱	۱/۵۲	۱/۳۱	۱/۱۴	۰/۸۴

جدول (۹) نشان می‌دهد که ضرایب همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه خودپنداره، همگی مثبت و در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار است. بالاترین ضریب همبستگی بین عامل ۱ و عامل ۴ است.

جدول ۹: ماتریس همبستگی بین عامل‌های پرسش‌نامه خودپنداره

عامل ۱ ادراک خود در ارتباط با طبیعت	عامل ۲ ادراک خود در ارتباط با جسم	عامل ۳ ادراک خود در ارتباط با خدا	عامل ۴ ادراک خود در ارتباط با دیگران	عامل ۵ ادراک خود در ارتباط با فطرت
عامل ۱: ادراک خود در ارتباط با طبیعت سطح معناداری				
عامل ۲: ادراک خود در ارتباط با جسم سطح معناداری	۰/۳۶۹ ۰/۰۰۰			
عامل ۳: ادراک خود در ارتباط با خدا سطح معناداری	۰/۵۳۱ ۰/۰۰۰	۱		
عامل ۴: ادراک خود در ارتباط با دیگران سطح معناداری	۰/۶۱۹ ۰/۰۰۰	۰/۴۷۷ ۰/۰۰۰	۱	
عامل ۵: ادراک خود در ارتباط با فطرت سطح معناداری	۰/۴۸۳ ۰/۰۰۰	۰/۴۱۹ ۰/۰۰۰	۰/۴۴۶ ۰/۰۰۰	۱

۲-۲. روایی به روش همبستگی با ابزار مشابه

روش دیگری که در روایی سازه به کار می‌رود، محاسبه همبستگی خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه با نمره کلی پرسش‌نامه دیگری است که همان سازه را می‌سنجد؛ که در اینجا از پرسش‌نامه خودپنداره ساراسون استفاده شده است. اگر همبستگی بین نمرات دو آزمون بیش از ۰.۴ باشد، فرض می‌شود که این دو آزمون سازه واحدی را می‌سنجد (گراث - مارنات، ۱۳۸۷).

جدول (۱۰) نشان می‌دهد که ضرایب همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه خودپنداره با نمره کلی پرسش‌نامه خودپنداره ساراسون، همگی مثبت (بین ۰.۴ تا ۰.۶) و در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار است و پرسش‌نامه از روایی مناسبی برخوردار است.

جدول ۱۰: ضرایب همبستگی بین عامل‌ها و نمره کلی پرسش‌نامه خودپنداره و پرسش‌نامه خودپنداره ساراسون

خودپنداره ساراسون	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵
ضریب همبستگی	۰/۴۸۵	۰/۵۸۵	۰/۴۲۳	۰/۴۲۳	۰/۵۰۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

۳. پایایی

برای بررسی ضریب اعتبار و تشخیص سوالات دارای ضریب تشخیص ضعیف، ابتدا پرسش‌نامه بر روی ۳۸ نفر از دانشجویان اجرا شد. مقدار ضریب آلفا در مطالعه پایلوت، قبل از حذف سوالات ضعیف، ۰/۸۹۴ به دست آمد. در این مرحله، سه سؤال از ۵۷ سؤال پرسش‌نامه به دلیل داشتن ضریب تشخیص منفی، حذف شدند که مقدار ضریب آلفا بعد از حذف این سه سؤال، به ۰/۹۰۴ افزایش یافت. در مرحله بعد، پرسش‌نامه خودپنداره مشتمل بر ۵۴ سؤال در بین ۵۳۰ نفر از دانشجویان اجرا شد که ۱۳۰ پرسش‌نامه مخدوش بود و کنار گذاشته شد و فقط چهارصد پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفت. پایایی مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ۰/۹۰۶ است.

جدول ۱۱: ضریب همبستگی هر سؤال با نمره کلی و مقدار ضریب آلفا در صورت حذف سؤال

سؤال	Corrected Item-Total Correlation	Cronbach's Alpha if Item Deleted
a1	۱۹۰ .	۹۰۶ .
a2	۳۱۲ .	۹۰۵ .
a3	۳۹۶ .	۹۰۴ .
a4	۵۳۷ .	۹۰۳ .
a5	۴۵۶ .	۹۰۴ .
a6	۴۵۰ .	۹۰۴ .
a7	۱۵۹ .	۹۰۶ .
a8	۱۳۸ .	۹۰۶ .
a9	۴۵۴ .	۹۰۴ .
a10	۲۹۸ .	۹۰۵ .

ساخت و اعتباریابی مقیاس خودپنداره مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی اسلامی ♦ ۷۱

۹۰۳.	۴۶۸.	a11
۹۰۳.	۴۸۱.	a12
۹۰۴.	۴۵۰.	a13
۹۰۵.	۳۶۳.	a14
۹۰۴.	۴۰۹.	a15
۹۰۳.	۴۸۵.	a16
۹۰۴.	۴۰۸.	a17
۹۰۶.	۳۴۲.	a18
۹۰۶.	۳۴۸.	a19
۹۰۸.	-۵۶.	a20
۹۰۴.	۴۶۶.	a21
۹۰۳.	۵۱۳.	a22
۹۰۸.	-۷۴.	a23
۹۰۳.	۴۷۳.	a24
۹۰۶.	۳۲۶.	a25
۹۰۵.	۳۶۴.	a26
۹۰۶.	۳۷۳.	a27
۹۰۳.	۵۴۹.	a28
۹۰۵.	۳۷۱.	a29
۹۰۶.	۲۸۳.	a30
۹۰۴.	۴۵۱.	a31
۹۰۳.	۵۱۹.	a32
۹۰۳.	۵۵۷.	a33
۹۰۳.	۴۹۸.	a34
۹۰۵.	۳۷۱.	a35
۹۰۴.	۴۰۶.	a36
۹۰۵.	۳۰۱.	a37
۹۰۳.	۵۵۰.	a38
۹۰۳.	۴۹۱.	a39
۹۰۵.	۳۶۵.	a40
۹۰۴.	۴۱۵.	a41
۹۰۶.	۲۶۵.	a42
۹۰۴.	۴۴۷.	a43
۹۰۴.	۳۹۰.	a44
۹۰۵.	۳۶۳.	a45
۹۰۸.	-۲۳.	a46
۹۰۹.	-۷۳.	a47
۹۰۸.	۱۶۸.	a48
۹۰۳.	۵۱۵.	a49
۹۰۳.	۵۷۵.	a50
۹۰۲.	۵۷۴.	a51
۹۰۳.	۵۳۹.	a52
۹۰۳.	۵۴۰.	a53
۹۰۳.	۵۰۱.	a54

جدول (۱۱) نشان می‌دهد که چهار سؤال ۲۰، ۲۳، ۴۶ و ۴۷ دارای ضرایب همبستگی ضعیف (به ترتیب ۰.۰۵۶ و ۰.۰۷۴ و ۰.۰۳۳ و ۰.۰۷۳) با نمره کلی آزمون بوده، که بعد از حذفشان مقدار ضریب آلفا افزایش یافته است؛ لذا این چهار سؤال در این مرحله حذف شدند و بعد از حذف آنها، ضریب آلفا ۰/۹۰۶ به‌دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با استناد به کتب *آیت‌الله جوادی آملی* درباره انسان‌شناسی اسلامی، مفاهیم کلیدی مرتبط با خودپنداره استخراج شد. مبتنی بر این دیدگاه، انسان در دو سطح تحولی متعالی و نازل و در چهار بعد ارتباط با خود، خدا، دیگران و طبیعت می‌تواند خود را ادراک کند. سطح نازل «ادراک خود» همان خودپنداره مبتنی بر مبانی مکتب انسان‌گرایی است که خودپنداره‌ای صرفاً مادی و بیرونی است و وضوح و ثبات ضعیفی دارد. در سطح متعالی «ادراک خود»، که وجه تمایز انسان‌شناسی اسلامی و انسان‌گرایی است، انسان در رابطه با خود به بخش اصیل وجودش، یعنی روح، که معادل با فطرت است، هشیار می‌شود و خودش را در اتصال با خداوند معنا می‌کند و از فطرت الهی‌اش راهنمایی می‌گیرد؛ در رابطه با خداوند، اولاً به او معرفت می‌یابد (یعنی خود را به‌عنوان وجودی که حادث و ضعیف است، درک می‌کند و به وجود خالقی توانا پی می‌برد) و ثانیاً فقط او را اطاعت و عبادت می‌کند؛ در رابطه با جهان هستی و طبیعت نیز چگونگی رابطه جهان هستی را با خداوند درمی‌یابد و می‌فهمد که در ارتباط با جهان هستی، او امانت‌داری بیش نیست و قدرت هیچ‌گونه آفرینش و خلقی ندارد و تنها راه نفوذ او در طبیعت ارتباط تسخیری با آن است؛ در رابطه با همنوع نیز خود را موجودی اجتماعی می‌شناسد که زندگی اجتماعی‌اش باید زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ت). در این صورت، انسان به «ادراک خود» واقعی دست خواهد یافت و خودپنداره‌ای واضح، پایدار و دارای انسجام درونی خواهد داشت.

مجموعه این مفاهیم در قالب پنجاه گویه تنظیم شدند. پس از تدوین مقیاس خودپنداره، ویژگی‌های روان‌سنجی آن در دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج سنجش روایی مقیاس خودپنداره نشان داد که این مقیاس روایی مناسبی دارد.

نتایج تحلیل عوامل نشان‌دهنده استقلال پنج عامل بود؛ شامل ادراک خود مادی، خود فطری، خود اجتماعی، خود مذهبی و خود کائناتی. خرده‌مقیاس ادراک خود مادی که دارای شانزده گویه است، آگاهی از ویژگی‌های خود مادی و ساختارهای وجودی خود را می‌سنجد. خرده‌مقیاس ادراک خود فطری دارای هشت گویه است و آگاهی از نظام داخلی خود، آگاهی از تقدم فطرت بر طبیعت، ویژگی‌ها و گرایش‌های فطرت، و آگاهی از ارزش و اراده خود را می‌سنجد. خرده‌مقیاس ادراک خود اجتماعی دارای سیزده گویه است و همدلی، احترام به دیگران و تکریم آنها، گذشت و ایثار، مهربانی و رحمت درباره دیگران، همکاری، عدالت و حق‌محوری، مشورت، برقراری رابطه با دیگران،

و حاکمیت اصل توحید بر ارتباط فرد با دیگران را می‌سنجد. خرده‌مقیاس ادراک خود مذهبی دارای پنج گویه است و نوع رابطه فرد با خدا، میزان دینداری و تأثیر مذهب بر سلامت روان فرد را می‌سنجد. خرده‌مقیاس ادراک خود کائناتی دارای هشت گویه است و درک رابطه خود با جهان و رابطه آن دو با خدا، امانت دانستن هستی و برخورد درست با جهان را می‌سنجد.

این پرسش‌نامه در قالب مقیاس لیکرت و در قالب گزینه‌های «بسیار زیاد»، «زیاد»، «متوسط»، «کم»، «خیلی کم» و «اصلاً» با ارزش ۶ تا ۱ در عبارات مثبت و ۱ تا ۶ در عبارات منفی نمره‌گذاری شده است. خودپنداره‌ای که دارای نمره‌ای بالاتر از ۱/۵ انحراف معیار بالای میانگین باشد، به‌عنوان خودپنداره متعالی، و خودپنداره‌ای که دارای نمره‌ای پایین‌تر از ۱/۵ انحراف معیار زیر میانگین باشد، به‌عنوان خودپنداره ضعیف شناخته می‌شود.

نتایج حاصل از همبستگی با آزمون خودپنداره ساراسون نیز نشان داد که ضرایب همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه خودپنداره با نمره کلی پرسش‌نامه خودپنداره ساراسون، همگی مثبت و در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار است. به‌عبارت‌دیگر، پرسش‌نامه خودپنداره از روایی خوبی برخوردار است. برای اندازه‌گیری پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که این ضریب برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۰۶ به‌دست آمد. این مقدار اعتبار نشانگر این است که پرسش‌نامه در طول زمان پایاست و پدیده واحدی را اندازه‌گیری می‌کند.

از آنجا که ساخت مقیاس خودپنداره مبتنی بر مبانی اسلامی برای اولین بار در کشور ما صورت می‌گیرد، این پژوهش می‌تواند گامی نو در جهت گسترش تحقیقات در زمینه خودپنداره باشد. تقسیم‌بندی جدید خودپنداره به پنج عامل و در دو سطح تحولی، که با استناد به مبانی اسلامی و استفاده از روش تحلیل عاملی به‌دست آمد، نسبت به سایر تقسیم‌بندی‌هایی که در روان‌شناسی معاصر صورت گرفته، کامل‌تر است و تبیین دو سطح تحولی ادراک خود در دو قطب کاملاً متفاوت در هیچ‌یک از مقیاس‌های خودپنداره وجود نداشته است.

منابع

- آن، مری جی و وندی ین، ۱۳۸۷، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های اندازہ‌گیری*، ترجمه علی دلاور، تهران، سمت.
- پورحسین، رضا، ۱۳۸۹، *روان‌شناسی خود*، تهران، امیرکبیر.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، *هدایت در قرآن*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- _____، ۱۳۸۳، *توحید در قرآن*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۵ الف، *سیره رسول اکرم (ص) در قرآن*، تحقیق حسین شفيعی، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۵ پ، *سروش هدايت*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۶، *سرچشمه اندیشه*، تحقیق عباس رحیمیان، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۸ الف، *حق و تکلیف در اسلام*، تحقیق مصطفی خلیلی، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۸ ز، *تسنیم*، تحقیق عبدالکریم عابدینی، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹ ب، *تسنیم*، تحقیق سعید بندعلی، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹ ت، *انتظار بشر از دین*، تحقیق محمدرضا مصطفی‌پور، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹ ذ، *اسلام و محیط‌زیست*، تحقیق عباس رحیمیان، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹ س، *تسنیم*، تحقیق سعید بند علی، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹ ش، *تسنیم*، تحقیق علی اسلامی، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹ ق، *تسنیم*، تحقیق احمد قدرسی، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹ ع، *ولایت فقیه*، تحقیق محمد محرابی، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۰ الف، *تفسیر انسان به انسان*، تحقیق محمدحسین الهی‌زاده، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۰ د، *تسنیم*، تحقیق و تنظیم محمود لطیفی، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۱، *مهر استاد*، تحقیق سعید بندعلی، قم، اسراء.
- ساداتی نژاد، سیدمهدی، ۱۳۹۲، «بومی‌سازی علوم انسانی و ضرورت بازبینی مبانی انسان‌شناسی»، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، ش ۱، ص ۳۱-۳۱.
- شایگان، داریوش، ۱۳۵۶، *آسیا در برابر غرب*، تهران، امیرکبیر.
- شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۶۴، *فرهنگ علوم رفتاری*، تهران، امیرکبیر.
- شیخ‌الاسلامی، راضیه و مرتضی لطیفیان، ۱۳۸۱، «بررسی رابطه ابعاد خودپنداره با سلامت عمومی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان دانشگاه شیراز»، *تازه‌های علوم شناختی*، سال چهارم، ش ۱، ص ۶-۱۶.
- صانع‌پور، مریم، ۱۳۷۸، «مبانی معرفتی اومانیزم»، *قیاسات*، ش ۱۲، ص ۱۰۰-۱۱۵.
- فقیه‌ی، علی‌نقی و رفیعی مقدم، فاطمه، ۱۳۸۷، «انسان از دیدگاه راجرز و مقایسه آن با دیدگاه اسلامی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال دوم، ش ۳، ص ۱۴۳-۱۶۷.
- کلانتر هرمزی، آتوسا، ۱۳۹۰، *سیر تکوینی مفهوم خود از دیدگاه حکمت متعالیه و دیدگاه‌های روان‌شناختی پست مدرن و شیوه تبیین آسیب‌شناسی روانی انسان مبتنی بر آن*، رساله دکتری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- گراث - مارنات، گری، ۱۳۸۷، *راهنمای سنجش روانی*، ترجمه حسن پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو، تهران، سخن.
- محسنی، نیک‌چهره، ۱۳۷۵، *ادراک خود، از کودکی تا بزرگسالی*، تهران، بعثت.
- محمدرضا پور، احمد، ۱۳۹۲، *روش تحقیق کیفی ضد روش*، تهران، جامعه‌شناسان.

- نبویان، سید محمود، ۱۳۸۱، «خدا محوری یا اومانیسیم»، *رواق اندیشه*، ش ۱۳، ص ۱۹-۲۳.
- نوایی، علی‌اکبر، ۱۳۸۴، «نقش جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی در تکوین جامعه دینی»، *اندیشه حوزه*، ش ۵۶، ص ۱۱۳-۱۱۶.
- هومن، حیدر علی، ۱۳۷۰، *پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری*، تهران، دیبا.
- Beshlideh, K, Allipour, S, & Shehni Yailagh, M, 2009, "The Causal Relationship between Religious Beliefs and Mental Health, with Mediating Role of Self-Esteem in University Students", *Journal of Education & Psychology*, N. 3 (2), p. 25-38.
- Błazek, M, & Besta, T, 2012, "Self-Concept Clarity and Religious Orientations: Prediction of Purpose in Life and Self-Esteem", *Relig Health*, N. 51, p. 947-960.
- Bybee, A, & Zilgler, E, 2001, "Self- image and Gait: a further test of the cognitive-developmental Formation", *Journal of Personality*, N. 59 (4), p. 733-745.
- Campbell, J, D, 1996, "Self – concept clarity: Measurement, personality correlates and cultural boundaries", *Journal of personality and social psychology*, N. 70, p. 141-156.
- Damon, W.C., & Hart, D. (1991). *Self- understanding in childhood and adolescence*. New York: Cambridge University Press.
- Dorner, J, 2006, *A self- concept Measure of Personality Growth: self-concept Maturity (SCM) Development, Validation, and Age Effects. A thesis for the degree of doctor of Philosophy in Psychology*, International University Bremen.
- Eccles, S, O'Neill, S, A, & Wigfield, A, 2005, "Ability self-perceptions and subjective task values in adolescents and children", *New York, The Search Institute Series on Developmentally Attentive Community and Society*, N. 3, p. 237-249.
- Epstein, S, 1973, "the self-concept revisited: Or a theory of a theory", *American Psychologist*, N. 28(5), p. 16-404.
- Gecas, V, 1982, "THE SELF-CONCEPT", *Annual Review of Sociology*, v. 8, p. 1-33.
- Marsh, H. W, 1990, "Amultidimensional, Hierarchical Model of self-Concept: Theoretical and Empirical Justification", *Educational Psychology Review*, N. 2 (2), p. 77-172.
- Pierre-yves, B, 2009, *Self-Identity and Religion/Spirituality*, Cambridge University Press.
- Sternke, Jamie C, 2010, *Self-Concept and Self-Esteem in Adolescents with Learning Disabilities, Master of Science in Education/School Psychology*, University of Wisconsin-Stout.
- Tennen, H, & Herzberger, S, 1987, "Depression, selfprotective attributional biases", *Journal of Personality and Social Psychology*, N. 52, p. 72-80.
- Xavier, L, 2013, *Methods for Changing Our Thoughts, Attitudes, Self-Concept, Motivation, Values and Expectations*, www.psychologicalselfhelp.org